

تمدن در هلال حاصلخیز

- شهرنشینی در خاورمیانه
- وینسنت فرانسیس کاستللو
- پرویز پیران و عبدالعلی رضایی
- نشر نی
- ۱۳۸۳ (چاپ سوم)، ۲۲۴ صفحه، ۱۱۰۰ نسخه، ۲۰۰۰ تومان



● سیدابوالحسن ریاضی
دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری



چنانکه در نقشه مشاهده می‌شود خاورمیانه محدود ه ای است که از فلات ایران تا شمال آفریقا را دربرمی‌گیرد. یافته‌های تاریخی حاکی از استقرار اولین سکنه متمرکز در دهکده العیبید در حدود پنج هزار سال قبل از میلاد در دره فرات است. فاصله طولانی نزدیک به ده هزار سال تحولات و تغییرات طبیعی و اجتماعی خاورمیانه به ویژه شهرنشینی موضوعی است که در برشی بسیار کوچک توسط فرانسیس کاسکو در کتاب شهرنشینی در خاورمیانه بدان اشاره شده است.

مقطع تاریخی مورد بررسی کاستللو دهه ۷۰ میلادی را دربرمی‌گیرد. به دیگر سخن نویسنده از تاریخ پرفراز و نشیب شهرنشینی در خاورمیانه تنها مقطعی کوتاه از سالهای پایانی هزاره دوم را بررسی کرده است.

– تعاریف

چنانکه نویسنده در پیشگفتار خود اذعان کرده، مهم‌ترین مشکل در

مقدمه

تقریباً بر این نکته اتفاق نظر وجود دارد که گهواره تمدن را باید در هلال حاصلخیز (fertile crescent) جست‌وجو کرد. این منطقه حاصلخیز که منشأ پیدایش تمامی دهکده‌ها و سپس تمدنهای شهری در خاورمیانه و خاور نزدیک است از بالای خلیج فارس شروع شده و قبل از آنکه در جهت غرب بر فراز فرات گسترش یابد، در جهت شمالی تا کوههای سرچشمه دجله، ادامه می‌یابد.

از این نقطه به بعد منطقه حاصلخیز در جهت سوریه و دره‌ها و دشتهای فلسطین انحنای می‌یابد. این تداوم توسط صحرای سینا از هم گسیخته شده، اما دلتای پهناور و دره باریک نیل مجدداً تداومی استوار در جهت جنوب و در داخل سرزمین مصر به وجود می‌آورد.

دگردیسی جوامع روستایی بدوی به اولین شهرها به ۳۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح (ع) بازمی‌گردد. انقلاب شهری این دوره از تاریخ بشر به اعتقاد ناظر بر چهار عامل اساسی و به نوعی تعریف‌کننده مفهوم اثر در این دوره است:

- تولید طعام مازاد قابل ذخیره و سایر مواد اولیه توسط بخشی از جامعه به منظور حمایت فعالیتهای صاحبان حرفه‌های دیگر
- پیشرفت علوم کاربردی و نظامی دانش بشری
- اصلاح روابط اجتماعی و اقتصادی و ایجاد سازمان اجتماعی موردنیاز برای تداوم تولید و تضمین خدمات متخصصین شهری
- وجود تخصص تکنولوژیکی و ملزومات کافی از قبیل ابزار حمل و نقل کالا شواهد موجود حاکی از تحقق چهار عامل فوق در هلال حاصلخیز خاورمیانه در طول هزاره چهارم قبل از میلاد است. شهرهای باقیمانده از تمدن سومری، بقایای شهر اریحا اورشلیم (بیت‌المقدس) از جمله معروفترین شواهد تاریخی باستانی شهرنشینی در خاورمیانه محسوب می‌شوند.

یافته‌های تاریخی حاکی از استقرار اولین سکنه متمرکز در دهکده العبید در حدود پنج هزار سال قبل از میلاد در دره فرات است

کاستللو با بررسی مورد کرمان در ایران به عنوان مرکز اداری، اجتماعی و اقتصادی جنوب شرقی ایران، رابطه شهر - روستا و سلطه اقتصادی و اجتماعی شهر بر منطقه مرکزی ایران از طریق کنترل زمین، آب، سرمایه و اعتبار و اعمال قدرت سیاسی را توضیح می‌دهد

حوزه مورد بررسی تعریف دو مفهوم «خاورمیانه» (Middle East) و «شهرنشینی» (urbanization) است. سرزمین‌هایی که تحت عنوان خاورمیانه گروه‌بندی می‌شوند، شامل لیبی، مصر، فلسطین، ترکیه، ایران، عراق و کشورهای جزیره‌العرب است. اما نباید فراموش کرد که این تقسیم‌بندی ناظر بر گروه‌بندی‌های پس از جنگ دوم جهانی است. به لحاظ جغرافیایی کشورهای جنوب غربی آسیا را خاورمیانه می‌نامند این منطقه از طرف شمال غرب محدود به ترکیه از طرف جنوب محدود به یمن و از طرف شرق محدود به ایران است. بعضی از کشورهای آفریقایی مانند مصر و سودان نیز در این منطقه قرار دارند. اما کاستللو ترکیه، ایران، مصر و لیبی را به علت ارتباط جغرافیایی که با یکدیگر دارند به همراه کشورهای اصلی منطقه در ردیف کشورهای خاورمیانه قرار داده و از سایر نواحی شمال آفریقا صرف‌نظر کرده است.

واژه شهرنشینی دیگر واژه‌ای است که کاستللو با تعریف خاص خود بدان پرداخته و با تفکیک دو واژه «شهرنشینی فیزیکی» برای بحث درباره سکونتگاه انسان و «شهرنشینی اجتماعی» برای بحث پیرامون فرایندهای اجتماعی میان انسانها بحث خود را بر «شهرگرایی» (urbanism) متمرکز کرده است. به اعتقاد نویسنده شهرگرایی یا سنت زندگی شهری در خاورمیانه سنتی دیرینه و مستحکم است که در مقابل شهرنشینی اجتماعی قرار دارد. تلاش کتاب معطوف بر این نکته محوری است تا نشان دهد چگونه زندگی شهری خاورمیانه در پرتوشهرنشینی فیزیکی و اجتماعی معاصر دگرگون شده است برای دستیابی به این هدف فصول مختلف کتاب ساماندهی شده است.

محیط طبیعی و جامعه در خاورمیانه

فصل اول کتاب با بررسی اجمالی جغرافیای طبیعی و اجتماعی منطقه ضمن اشاره به وضعیت ژئومورفولوژی، اقلیم، تراکم جمعیت، وضعیت آب، کوچ‌نشینی اعراب بادیه‌نشین و پیوند اقوام کوچ رو با مسائل طبیعی، موضوع کشاورزی در منطقه و تنوع الگوهای بهره‌برداری از زمین به ویژگی‌های تاریخی شهرهای خاورمیانه پرداخته است. از دیدگاه کتاب شهرهای منطقه از روزگاران کهن دارای کارکردهای ذیل بوده‌اند:

- محل استقرار بازار برای مبادله مازاد کشاورزی

- محل انجام فرایض مذهبی و اداری

- نقش دفاعی

- ارتباطات نزدیک شهری ادیان اصلی مسیحیت، اسلام و یهودیت
با این رویکرد شهرهایی مانند قاهره، استانبول، بغداد از نظر تاریخی، علاوه بر حفظ ارتباطات خارجی گسترده خود، دارای جمعیتی انبوه، ثروتی افسانه‌ای، شهرت و اعتباری جهانی و مرکزی منطقه‌ای بوده‌اند. کاستللو با بررسی مورد کرمان در ایران به عنوان مرکز اداری، اجتماعی و اقتصادی جنوب شرقی ایران، رابطه شهر - روستا و سلطه اقتصادی و اجتماعی شهر بر منطقه مرکزی ایران از طریق کنترل زمین، آب، سرمایه و اعتبار و اعمال قدرت سیاسی را توضیح می‌دهد. از این زاویه وظیفه عمده کرمان و شهرهای بزرگ مشابه در خاورمیانه:

جمع‌آوری مواد خام و تغییر و تبدیل آن از یک سو و توزیع کالا، مواد و خدمات به نواحی اطراف از سوی دیگر است. زندگی شهرها تحت تأثیر نظام‌های اجتماعی گسترده‌تر و فرآیند تری شکل می‌گیرد که مبتنی بر اسلام است.

- جامعه شهری مقابل صنعتی در خاورمیانه

چنانکه اشاره شد خاورمیانه می‌تواند مدعی طولانی‌ترین تاریخ تکامل مستمر شهری باشد اما در میان عوامل مختلف، دین اسلام عامل اصلی در تکامل خاورمیانه عربی و شهرهای ایران در قرون وسطی محسوب می‌شود.

تأثیر اسلام بر ساخت اجتماعی منطقه خاورمیانه شکلی فیزیکی (کالبدی) شهر اسلامی را تحت تأثیر قرار داد. ویژگی‌های مشترک شهرهای اسلامی

چنین بوده است:

- در اکثر شهرها مقر قدرت نظامی، ارک سلطنتی بود

- در دیگر شهرهای بزرگ‌تر قصر شاهی وجود داشت

- مسجد جامع به عنوان مرکز مذهبی، دادگاه و مکان آموزشی معمولاً بلندترین ساختمان شهر محسوب می‌شد.

- بازار سرپوشیده با خانها و کاروانسراهای متعدد

- خانه‌هایی یا حیاط مرکزی با ویژگی خلوت‌گزینی و نگاه به درون

کاستللو با اشاره به ویژگی‌های فضایی فسطاط (قاهره)، دمشق، حلب در سالهای پس از ۱۲۵۰ میلادی، ساختار اجتماعی دوره قرون وسطی اسلامی را ساختاری طبقاتی متشکل از گروه حاکمان، علمای مذهبی از یک سو و فقرا، مشاغل تحقیر شده از دیگر سو همراه با جدایی‌گزینی مذهبی میان مسلمانان با مسیحیان و یهودیان توصیف می‌کند. در این دوره محله به عنوان هسته اصلی شهر از قوی‌ترین انسجام اجتماعی برخوردار بود. به دیگر سخن فقدان نهادهای اجتماعی و اقتصادی قدرت محلات را توجیه می‌کرده است. حاصل

چنین روندی فقدان احساس هویت شهری به دلیل تقسیم شهر به محلات روستاگونه بود که تداوم آن به انحطاط شهری در اواخر قرن پانزدهم و اوایل قرن شانزدهم منجر شد.



حاصل تمامی جریانات، تغییرات محسوس در الگوی سازمان‌یابی مکان، اندازه‌ها و ساخت درونی شهرهای خاورمیانه بود که این بار نه براساس ملاحظات داخلی بلکه به دلیل مقتضیات ناشی از صادرات و فرصت‌های ایجاد شده در عرصه ارتباطات بین‌المللی خود را تنظیم می‌کرد. استفاده از کانال سوئز و فعال شدن هرچه بیشتر شبکه‌های ارتباطی، رشد بنادر جدّه، خرمشهر، بحرین، بورت سعید و اسکندریه را به همراه داشت.

مطالعه موردی آبادان حاکی از شکل‌گیری شهری مدرن در ساحل چپ اروندرود توسط شرکت نفت ایران پرسیا است که بعدها نام شرکت نفت ایران و انگلیس را به خود گرفت. ترکیب جمعیتی این شهر در سال ۱۹۳۷ بالغ بر ۶۰ هزار ایرانی و ۹۵۰ اروپایی ثبت شده است. تأسیس آبادان به عنوان شهری پیشگام در نظم جدید اجتماعی بر پایه صنایع استخراجی بود که این بار تفکیک مناطق مسکونی در میان کارگران عالی رتبه اکثراً اروپایی و کارگران غیرماهر ایرانی صورت می‌گرفت. در شمال شرق پالایشگاه، منطقه‌ای جدید براساس نقشه‌های شطرنجی طراحی شد که به صورتی یادگانی محل استقرار کارگران بود. در غرب پالایشگاه خانه‌های کارگران اروپایی شبیه حومه‌های شهرهای انگلستان با مغازه‌ها، سینماها، کلوب‌ها، استخر شنا و زمین کریکت قرار داشت.

رشد شهری و افزایش سهم جمعیت ساکن از مناطق شهری پس از دهه ۱۹۱۹ میلادی در چهار عامل زیر قابل تقسیم‌بندی است:

خاورمیانه می‌تواند مدعی طولانی‌ترین تاریخ تکامل مستمر شهری باشد اما در میان عوامل مختلف، دین اسلام عام اصلی در تکامل خاورمیانه عربی و شهرهای ایران در قرون وسطی محسوب می‌شود

کتاب در خاتمه این فصل با توصیف کرمان در دوره وسطای اسلامی، مسجد جامع، ارک و بازار را به عنوان سه نهاد تشکیل دهنده هسته مرکزی شهر توصیف می‌کند. ساختار فضایی شهر را حمام‌های عمومی متعدده، نزدیکی مسجد جامع، ارک محصور در حاشیه غربی شهر و بخش تجاری (بازار و کیل) میان مسجد و ارک تشکیل می‌داد.

خانه‌های محله یهودیان کرمان با دیوارهای بلند و دروازه‌های عظیم محافظت می‌شد.

ساخت اجتماعی جامعه مسلمانان کرمان ناظر بر طبقات مرفه در بالای شهر و عامه مردم در محلات جنوبی و تحرک اجتماعی بسیار اندک بود. علما به علت اداره موقوفات، قدرت اقتصادی قابل ملاحظه‌ای داشتند که از طریق کنترل تعلیم و تربیت، موعظه، کنترل دادگاه‌های شرع بر این قدرت افزوده می‌شد.

- توسعه شهری معاصر

در این فصل از کتاب عوامل مؤثر در گذار شهرهای اسلامی ما قبل صنعتی به شهر معاصر بررسی می‌شود. چنانکه اشاره شد از دیدگاه کاستللو مسئله اساسی در معاصر بودن، شیوه‌های زندگی و فرایندهای شهرنشینی به شیوه غربی است که به طور مشخص از قرن نوزدهم آغاز و در قرن بیستم با ورود تکنولوژی و نهادهای غربی به عنوان بخشی از کوششها برای امروزین کردن از سوی کشورهای اروپایی تشویق شد و مورد حمایت قرار گرفت. تجاری شدن و به دنبال آن تغییرات فنی و صنعتی، تحولات دیگری از جمله تغییر رشد جمعیت شهری به ویژه پس از جنگ جهانی دوم در پی‌داشت.

در مصر با دگرگونی در ساخت صنعتی شهر، ساخت اداری دستخوش تغییر شد و به دنبال آن شیوخ و بزرگان محله‌های شهر جای خود را به ادارات حکومت مرکزی و قشر جدید اداری سپردند؛ تغییری که به شدت بر ساخت اجتماعی قاهره و سایر شهرهای مصر اثر گذاشت.

تحولات قرن نوزدهم در عرصه جهانی بر رشد بازار محلی خاورمیانه تأثیری بسزا داشت، تجارت با اروپائیان و ورود پول و روابط پولی «سرمایه‌داری اجاره‌داری» (rent capitalism) سنتی را دگرگون ساخت و طبقه کاسبکار جدیدی در صحنه اقتصادی روستایی ظاهر شد که هم رقیب و هم مددکار حکومت محسوب می‌شد.

به اعتقاد نویسنده شهرگرایی یا سنت زندگی شهری در خاورمیانه سنتی دیرینه و مستحکم است که در مقابل شهرنشینی اجتماعی قرار دارد

عوامل مهاجرت عنوان کرد. تأسیس اسرائیل، مسائل لبنان، درگیریهای قومی ترکیه، بحران کردها و اقدامات رضاخان در یکجانشینی کردن عشایر از این گونه‌اند. کاستللو در کنار این فهرست نسبتاً طولانی از عوامل تشدید مهاجرت به مسائلی همچون فشارهای اقتصادی (مورد ترکیه)، خشکسالی سخت (مورد لیبی) تأسیسات جدید (سد اسوان در مصر) و اصلاحات ارضی (ایران و عراق) اشاره دارد.

اما زندگی اجتماعی مهاجران و شیوه‌های سازمان‌یابی روابط اجتماعی آنان خود موضوعی مستقل است که از خانه‌های فرسوده مرکز شهر تا حاشیه‌های حلبی‌آباد شهرهای بزرگ تنوع دارد.

سازگاری اجتماعی در شهر

مردم در فرایند شهرنشینی اجتماعی، عناصر مادی و غیرمادی فرهنگ، الگوهای رفتاری و بارهایی را که منشأ شهری دارد، کسب می‌کنند. در این فرایند فرد، خانواده گروه‌های خوشباندی و سازمان‌های قبیله‌ای و در نهایت شبکه روابط اجتماعی دستخوش تغییرات می‌شود. تغییر در منزلت زنان با توجه به نقش سنتی آنان در جامعه، تغییر در مفهوم حیثیت خانوادگی (family honour)، تأثیر بر سازگاری اجتماعی و دگرگونی‌های فردی از این جمله‌اند. برای مثال حیثیت خانوادگی خصیصه‌ای است که عمدتاً متعلق به مردان است و بیشتر به آبرو و سابقه مربوط می‌شود، در این عرصه، تحرک زن سنتی محدود به حوزه‌هایی است که حیثیت خانوادگی در معرض خطر قرار نگیرد. شبکه ارتباطات خصوصی زنان، حوزه‌های کسب درآمد، حوزه‌های ارتباطات عمومی متأثر از این متغییر اجتماعی با عرصه تحرک زن شهری شده امروزین، به شدت متفاوت است. نقش رسانه‌ها در شکل دادن به عقاید و رفتارهای جمعی از دیگر متغیرهایی است که در ایجاد سازگاری اجتماعی در شهر بسیار مؤثر است.

مشاغل و قشریندی اجتماعی

بی‌تردید کشف نفت و مازاد اقتصادی هنگفت آن مهم‌ترین تأثیر را بر ساختار اقتصادهای شهری منطقه خاورمیانه گذاشته است. توسعه و نوسازی شهرهای قدیمی با اتکا بر این ثروت زمینه بورس‌بازی زمین را فراهم کرده است. ساختمان‌سازی در حاشیه شهر قدیمی یا بازسازی منطقه مرکزی شهر با اتکا به دخالت فزاینده دولت در امور اقتصادی، کاهش بخشی از ابعاد فعالیت بخش خصوصی و افزایش کنترل دولت در مصر، لیبی، عراق، ساختار اغلب این شهرها را به سه بخش تقسیم کرده است.

– بخش اول کارگران بیکار شهری که به شغل کاذب اشتغال دارند.
– واحدهای کسب سنتی بازاری که اغلب توسط گروه‌های خانوادگی اداره می‌شوند.
– بنگاه‌های اقتصادی جدید، شامل صنایع سرمایه‌بر مؤسسات دولتی و اصناف و حرف.

– تمرکز اقتصادی

– کشمکش‌های سیاسی داخلی

– تغییرات در الگوی تجارت خارجی و روابط با بیگانگان

– استخراج نفت

نکته قابل ذکر در این میان رشد انگلی یک شهر و سلطه یک شهر در کشورهای در حال توسعه است که سهم نامتعادلی از ثروت ملی را به خود اختصاص می‌دهد. چارلز عیسوی در مورد خاورمیانه با ارائه ارقامی مدعی است که فوق‌تمرکزهای شهری از نظر جذب امکانات و ثروت را می‌توان تعمیم داد. برای مثال تهران در ۱۹۶۵ میلادی، ۴۰ درصد کل برق مصرفی ایران، بغداد ۶۵ درصد پزشکان عراق و استانبول ۲۵ درصد از پزشکان ترکیه را به خود اختصاص داده‌اند.

مهاجرت از روستا به شهر

در مسئله رشد شهرنشینی در خاورمیانه علاوه بر عوامل پیش گفته و مسئله رشد طبیعی جمعیت شهری، مسئله مهاجرت نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. رابطه سنتی میان شهر و روستا که پیشتر رابطه مهاجرتی موقت و دوسویه بود – یعنی هم از شهر به روستا در تابستان مهاجرت صورت می‌گرفت و هم از روستا به شهر برای مسائل مذهبی، تجاری ... (مورد کاشان) – با تغییرات حاصله در قرن جدید به مهاجرتی یک‌سویه بدل شد. عامل جاذب و دافع چنین روندی را – که تبدیل به مهاجرت از روستا به شهرهای کوچک و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگتر گردید – باید در این باور جست‌وجو کرد که: زندگی بهتر و درخشان‌تری در شهرهای بزرگ انتظار افراد را می‌کشد. مواردی مانند کار بهتر، ادامه تحصیل، و دستمزد بالاتر از این جمله‌اند. در خاورمیانه علاوه بر مسائل فوق اغتشاش سیاسی را نیز باید از دیگر



کاستللو با اشاره به ویژگیهای فضایی فسطاط (قاهره)، دمشق، حلب در سالهای پس از ۱۲۵۰ میلادی، ساختار اجتماعی دوره قرون وسطای اسلامی را ساختاری طبقاتی متشکل از گروه حاکمان، علمای مذهبی از یک سو و فقرا، مشاغل تحقیر شده از دیگر سو همراه با جدایی‌گزینی مذهبی میان مسلمانان با مسیحیان و یهودیان توصیف می‌کند

عبادت با وجود تأکید کاستللو به روابط تاریخی شهر - روستا به ویژه در شهرهای خاورمیانه و اشاره وی به نظریه «سرمایه‌داری بهره‌بری»، هانس پوپک، دیدگاه‌های متأخر ناظر بر اهمیت روابط شهر - شهر در رشد و توسعه شهرنشینی است. به دیگر سخن تبادل مازاد ثروت ایجاد شده در شهرها با یکدیگر و شکل‌گیری نظام سلسله‌مراتبی در شبکه شهری کشورهای خاورمیانه نکته‌ای است که کمتر بدان پرداخته شده است.

در باب نقش و اهمیت حکومتها در توسعه و تکوین شهری دکارت اهلرس در مقاله «پایتختها و ساماندهی نفت در ایران» معتقد به جایگاه خاص دولتها در رشد و تغییر عملکرد شهری از افشاریه تا پهلوی است. اگرچه وی نیز به صنعت‌گرایی میان دو جنگ جهانی به عنوان بنایی برای شهرگرایی جدید و آغاز دوران متفاوت شهرنشینی اذعان دارد.

تعمیم گسترده این نظریه که توسعه شهری ما قبل صنعتی توسعه‌ای بومی و مبتنی بر تقاضای محلی بوده و پس از این دوره صرفاً مبتنی بر فشارهای استعماری و امپریالیستی خارجی بوده، نادرست به نظر می‌رسد، چنان که مترجمان محترم گاه بدان اشاره کرده‌اند نه در گذشته صرفاً روابط شهر - روستا مبنای زندگی شهرنشینی بوده و نه در دوران معاصر صرفاً عوامل خارجی و ملاحظات استعماری در این زمینه نقش داشته است.

مقدمه ارزشمند دکتر پرویز پیران بسیاری از نواقص و ضعفهای کتاب را در باب شهرنشینی ایران و خاورمیانه مرتفع کرده است که به طور عمده از دید جامعه‌شناسی شهری است و کمتر موضع جغرافیایی شهری منعکس شده است.

با وجود اهمیت موضوع شهرنشینی و معضلات عدیده رشد و گسترش شهرها در کشورهای پیرامونی، انتشار کتب جامعی در این باب با کندی و ناپیوستگی همراه است که انتشار مجدد و چاپ سوم «شهرنشینی در خاورمیانه» را باید به فال نیک گرفت، اما انتظار این بود که با توجه به تحولات حادث شده از سال ۱۳۶۸ (زمان چاپ اول) تا ۱۳۸۳ (چاپ سوم) مترجمان محترم تکمله یا مؤخره‌ای بر کتاب می‌افزودند و یا حداقل ناشر محترم در بازبینی مجدد کتاب برخی از اغلاط چاپی را اصلاح می‌کرد، اما بی‌رونقی کالای کتاب و شمارگان ۱۱۰۰ نسخه در چاپ سوم بر این کتاب ارزشمند جای پهبانه‌گیری بر هیچکس باقی نمی‌گذارد.

فهرست منابع:

- ۱- اهلرس دکارت (۱۳۸۰)، ایران - شهر - روستا - عشایر، ترجمه عباس سعیدی، نشر نی
- ۲- بنه ولو، لئونارد (۱۳۶۹)، تاریخ شهر، ترجمه پروانه موحّد، مرکز نشر دانشگاهی
- ۳- موریس جیمز (۱۳۷۴)، تاریخ شکل شهر، ترجمه رضیه رضازاده، انتشارات دانشگاه علم و صنعت
- ۴- ویرت اویگن (منتشر شده)، نظری اجمالی به شهر شرق اسلامی، ترجمه دکتر مصطفی مؤمنی

تفکیک مشاغل در نظامهای شهری بیانگر نظام طبقاتی جدیدی است. زیرا نوع شغل، میزان درآمد و در نتیجه راه و رسم زندگی را تعیین می‌کند. همچنین نوع شغل تا اندازه‌ای میزان تحصیلات فرد را نیز معین می‌کند. بر این اساس جوامع شهری را در سه گروه با ویژگی درآمدی بالا، متوسط و پایین می‌توان تقسیم کرد. بالاترین قشر اجتماعی - اقتصادی شهرها، تقریباً دربرگیرنده کل نخبگان جامعه خاورمیانه است. این قشر تنها در شهرهایی که مراکز قدرت و ثروت اند حضور دارند. این گروه بسیار کوچکی است. مثلاً در ایران به هزار فامیل معروف اند و خانواده سلطنتی عربستان پنج‌هزار عضو دارد. مالکیت یا کنترل بخش بزرگی از کل ثروت هر کشور در دست این نخبگان قرار دارد.

گروه درآمدی متوسط شامل صاحبان حرف، افسران نظامی، مدیران اداری و غیراداری، تجار کوچک و کارمندان تحصیلکرده می‌شود. در شهرهایی که صنایع جدید در آن استقرار یافته تکنسینها و کارمندان شرکتهای نفتی در این گروه جای دارند. طبقه متوسط - به عنوان گروه متعهد به مدرنیسم - تا حدودی به این گروه تعلق دارد.

گروههای کم‌درآمد شهرنشین شامل برخی از صنعتگران، کارگران مزدور و بیکاران می‌شود. در همه شهرهای خاورمیانه، اعضای این گروه اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند و با مشکلاتی از قبیل میزان مرگ و میر بالا، باروری بالاتر از سایر گروههای اجتماعی و بار سنگین تکفل اقتصادی مواجهند.

نقد و نظر

با وجود امتیازات بی‌شمار کتاب شهرنشینی در خاورمیانه که آن را به کتابی بسیار خواندنی و مهم درباره تولد شهرنشینی دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی تبدیل کرده، نکاتی چند را شاید بتوان به عنوان ضعفهای کتاب نام برد. باتوجه به پرداختن کاستللو به ویژگی‌های مورفولوژیکی شهرهای دوران قرون وسطای اسلامی، عدم طرح برخی از یافته‌ها در این زمینه مشهود است، برای مثال اویگن ویرت در کتاب نظری اجمالی به شرق اسلامی معتقد است «از ویژگی‌های خاص نقشه‌شکل‌بندی شهر شرقی در طی قرون متمادی دوران اسلامی پیروی بن‌بست در کنار شبکه معابر اصلی است یعنی اریک سو محورهای اصلی عبور و مرور و راه‌های اصلی ارتباطی با شبکه نسبتاً وسیع قرار دارند که به ترتیب مرکز شهر را به دروازه‌ها پیوند داده و تک‌تک محلات شهر را دربرمی‌گیرد، از سوی دیگر، در برابر آنها بن‌بستهای پریپیچ و خم قرار گرفته‌اند که عرصه‌های بین‌شبکه خیابانهای اصلی را پر می‌کنند.»

نبه ولو علاوه بر موارد مطروحه در کتاب به موارد دیگری اشاره می‌کند که عبارت‌اند از:

- تشویق به سادگی و انعکاس آن در فضا
- بی‌قاعدگی و نامنظمی و فقدان مرکزیت شهری با کارکردهای مشخص

- تمایل به پوشیدگی و محفوظ بودن زندگی خانوادگی
- محدود بودن عرصه عمومی به گرمابه برای بهداشت و مساجد برای